

زهرة لاجوردی

طلاق

و

مشکلات روانی - اجتماعی

ناشی از آن بر روی نوجوانان

مطلع

مقاله ذیل بخشی کوتاه از یک تحقیق میدانی مفضل است که در مورد طلاق و اثرات آن، در مدارس هفت منطقه آموزشی تهران به عمل آمده است. ماهنامه تربیت به دلیل مفید بودن مقاله اقدام به درج آن نموده است. امید است که مورد استفاده مربیان و معلمان گرامی قرار گیرد.

مقدمه

خانواده به مفهوم وسیع کلمه، اولین هسته جامعه است که از روابط زناشویی یا خویشاوندی نسبی و سببی و یا خادم و مخدومی در خانه و کاشانه به وجود می آید. نمره تشکیل یک خانواده پدید آوردن کانون آسایش و خوشبختی و نشاط طبیعی است. تاریخ بشر در ادوار مختلف گذشته،

همواره شاهد حضور نیرومند خانواده در صحنه فرهنگ و تمدن و سیاست و اقتصاد جوامع بوده است. گاهی روابط خانوادگی بر اثر گسترش قلمرو خانواده کشوری را فرا می گرفت، زیرا کلیه آحاد ملت عضو یک طایفه و عشیره بزرگ بودند که متشکل از طوایف و عشایر خویشاوندی نسبی یا سببی بود.

تشکیل خانواده و سعی در تعلیم و تربیت اطفال صالح است ولی انگیزه بعضی از افراد در ازدواج تنها تمتع و کامجویی بوده است. وقتی زنی شوهرش را فقط برای تأمین مخارج زندگی و مهیا ساختن موجبات عیش و خوشگذرانی بخواهد و یا شوهر هدف غایی خود را از ازدواج صرفاً تلذذ و کامجویی بدانند اساس خانواده از هم گسیخته خواهد شد.

۲- کم سواد یا بیسواد زوجهین
آمارها نشان می دهد که طلاق در بین

افراد بیسواد جامعه به مراتب بیشتر است.
۳- اشتغال خارج از حد زنان به کارهای اجتماعی

در اینکه اشتغال زنان در امور اجتماعی آنان را از وظایف اصلی و خطریاز می دارد، تردیدی نیست. زنی که صبح زود خانه را ترک می کند و بعد از ظهر به خانه بر می گردد، چگونه قادر است وظایف خاص خود را که عبارتست از نظیف و تنظیم امور، سرپرستی و تربیت اطفال و نظارت در حسن تغذیه افراد خانواده و... بنحو احسن انجام دهد؟

۴- اختلاف شخصیت زن و شوهر
زنی دارای تحصیلات عالی با مردی بازاری ازدواج می کند این دوزخ مصداق کامل دو وصلة ناجور هستند زیرا شوهر با طبع کاسبکارانه اش به همه چیز حتی مسئله تربیت اطفال می نگرد و زن بالطبع با دید تحقیقی به مسئله نگاه می کند، لذا این اختلاف شخصیتی با احتمال زیاد به جدایی و طلاق خواهد انجامید.

۵- دخالت دیگران در زندگی زناشویی

۶- عدم توافق در مسائل جنسی
یکی از علل بروز اغلب جدایی ها را باید در چارچوب مناسبات جنسی دانست. اولین اساس مزاجت همین مسئله جنسی است که باید بین زن و شوهر وجود داشته باشد. شور و هیجانی که در یکی از طرفین برقرار است مستلزم عشق دیگری است. وقتی پاسخ هیجان به طور کافی داده نشد یعنی این میل گرسنه ارضاء نشد، امیال دیگر بدن تعادل خود را از دست می دهد و شخص دچار اختلال شدید می شود وجه بسیارند که به این علت از جاده درستی منحرف شده و راه

اعتیاد، خودکشی، طلاق و نهائناً بیماریهای روانی و جسمانی و جدیدتر از همه «ایدز» بیانگر اوضاع آشفته و جهرة واقعی جهان کنونی است که بیهوده می کوشند تا آن را در پوشش ضخیم تبلیغات توخالی مربوط به حقوق بشر، دموکراسی، رفاه و پیشرفت علم و تکنولوژی پنهان سازند.

این طوفان فراگیر، هیچ کشوری را مستثنی نساخته و تنها در مورد «شدت و ضعف» آن در شرایط خاص یک کشور می توان تأمل کرد. فی المثل در باب افزایش طلاق - که موضوع مورد بحث این تحقیق است - در سال ۱۳۶۴ طلاق در کشور ما ۸/۷۵ درصد بوده است در حالی که در کشور انگلستان از هر صد ازدواج ۶۰ مورد آن به اطلاق انجامیده است. (هرسه ازدواج، دو طلاق!) در عین حال همین نرخ نسبت به سالهای قبل نشان دهنده افزایش تدریجی است.

همچنین درصد طلاق نسبت به ازدواج های صورت گرفته در شهرها بیش از سه برابر روستاهاست و این امر حاکی از برخورداری بیشتر شهرها از عوارض فرهنگ و تجدد و تمدن تاریخ معاصر است که بالطبع روستاها از آن مصون مانده اند. در شهرهای بزرگ نیز آمار افزایش طلاق نسبت به شهرهای کوچکتر چشمگیر است و در این میان، تهران مقام اول را داراست. برای مثال در سال ۱۳۵۸ در شهر تهران ۶۱۹۸ مورد طلاق انجام گرفته است در حالیکه در سال ۱۳۶۰ به ۹۴۱۴ مورد افزایش یافته و نیز در سال ۱۳۶۲ میزان طلاقها به ۹۷۷۰ مورد رسیده است.

علل و انگیزه های طلاق

۱- ضعف و گناه فقدان مبنای اخلاقی زوجهین
هدف از این پیمان الهی و امر مقدس اتحاد دو انسان برای تشریک مساعی با هم و

ادیان الهی، خصوصاً اسلام کوشش داشتند تا قلمرو خانواده را تا سرحدت جامعه بزرگ بشری توسعه دهند و شعار «بنی آدم اعضای یک پیکرند» را جایگزین وحدت فامیلی و عشیرتی سازند. به عبارت دیگر نیت پیامبران هرگز نابودی وحدت خانوادگی نبود، بلکه توسعه و تکامل آن را تا حد «امت واحده» که فراگیر کره زمین باشد، مد نظر داشتند و می خواستند با زیربنای عقیدتی و ایمانی مشترک، امکان تحقق این مهم را فراهم سازند.

اما در دوره جدید که فرهنگ و تمدن الحادای خودپرستانه و بشرمداران (اومانیستی) بر جهان حاکم شده است، اصل «سودجویی» و «قدرت طلبی» به عنوان انگیزه و عامل اصلی فعالیت های انسانی شناخته و جوامع بشری را دچار تفرقه ساخته است. وقتی که فلاسفة اخلاق و صاحب نظران در امر تعلیم و تربیت دوران جدید ایجاد انگیزه سودجویی و قدرت طلبی فردی یا گروهی را به عنوان مبنای تمام روابط انسانی تلقی کرده و مسئله اساسی را فقط کنترل و هدایت آن می دانند، از سیاستمداران فرعون منش و سرمایه داران قارون صفت که امپریالیسم را در ابعاد سیاسی و اقتصادی آن توسعه می دهند، چه توقعی می توان داشت؟

آنچه امروز در صحنه سیاست، اقتصاد و فرهنگ کشورهای جهان قابل ملاحظه است، تفرقه و تضاد دائمی و تزاید اجزای و گروه های سیاسی، رقابت بیرحمانه و توطئه آمیز پایان ناپذیر سرمایه داران با یکدیگر و تضاد پایدار منافع آنها با مصرف کنندگان و کارگران، اختلاف نظر و تشتت وسیع طرز تلقی و نگرش به عموم مسائل مادی و انسانی است که از دانشگاهها تا عمق خانواده ها رسوخ کرده است.

تضاد و حشتناک آمار قتل های فردی و جمعی، تجاوز، سرفت، ضرب و جرح،

خیانت درپیش می گیرند و نتیجه کارشان به طلاق و جدایی می انجامد.

۷- خودپسندی

در جستجوی علت جدایی ها باید دنبال انگیزه‌ای کوچک گشت نه عوامل بزرگ و خودپسندی از جمله عواملی است که به سادگی تفاهم میان زوجین را از بین برده و پایه‌های عشق و محبت را شست می کند.

۸- حسادت

حسادت از دیگر عواملی است که باعث اختلال و اختلاف زناشویی می شود و زندگی را برطرفین تلخ می نماید. حسادتهای بیجا و بی مورد زن و شوهر و نیز حسادتهایی که از خیانت‌های واقعی بروزی کند، سبب از هم پاشیدن خانواده‌ها می شود.

۹- نقش رسانه‌های گروهی

مطبوعات، رادیو، تلویزیون، سینما در بروز جدایی‌ها و طلاق مؤثرند که البته بعد از انقلاب تأثیر منفی نداشته و این عامل بیشتر به دوره طاغوت بر می گردد.

علاوه بر موارد مذکور، عوامل دیگری از قبیل تقلید زنان از صفات و خصوصیات مردان و بالعکس، فقر مالی، جنگ، اختلافات قومی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و طبقاتی، کم سن و سالی و ازدواج در سنین پیری، اعتیاد، ازدواجهای تحمیلی و مصلحتی، ازدواج دوم مرد و ازدواج به منظور گریز از قید و بندهای اجتماعی نیز در بروز طلاق مؤثر است.

عواقب و نتایج طلاق

بر اثر طلاق زینهای جبران ناپذیری بر جامعه وارد می شود که مهمترین آنها عبارتند از آوارگی و جدایی اطفال و حوادث شومی که در انتظار آنهاست، فحشاء، پناه بردن به اعتیاد، تحمل مصائب و فساد اجتماعی ... و

عواقب شوم طلاق برای اطفال

خانواده برای کودک به عنوان مهمترین و مطمئن ترین پایگاه محسوب می گردد. کودک پدر را مقتدرترین مردان جهان و مادرش را بهترین زنی می داند که خداوند آفریده است. اطفال اعتقاد و تعصب شدیدی نسبت به خانواده خود دارند. واقعاً چقدر حیف است که چنین احساسات پاک

و عمیقی را به خاطر جهل و نادانی و عدم انعطاف در معرض فنا و نیستی قرار دهند. در زمینه عواقب شومی که از طلاق ناشی می شود و با زندگی کودکان ارتباط پیدا می کند، مطالب بسیاری قابل طرح است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- اسارت در زندان ناپذیری بانامادری

۲- نقص تعلیمات پرورشگاهی و

در صورت فقدان آن ولگردی - ممکن است پدر یا مادر برای جلوگیری از وقوع حوادث ناگوار کودک خود را به پرورشگاه سپارند در این عمل نیز عواقبی نه چندان خوب در انتظار فرزندانشان می باشد؛

الف - عدم امکان تربیت صحیح

کودکان در پرورشگاه - نارسایی‌های تعلیماتی در پرورشگاهها به علت کثرت اینگونه اطفال برای کودکان شخصیتی خواهد ساخت ناقص و غیر کامل و او با چنین شخصیتی رشد می کند و یک موجود غیر عادی برای جامعه خواهد شد.

ب- اختلاط و آمیزش کودکان بد و خوب در پرورشگاهها - در مؤسسات تربیت

کودک و پرورشگاهها با توجه به اینکه تمدت شبانه روز را بچه‌ها با هم معاشرند نتیجه کج خلقی و عادات زشت برخی کودکان به دیگران تسری می یابد. و در نشست و برخاست با اطفال بدخو و کج خ به عادات زشت آنها خو گرفته و آنان را گمراه می کند.

۳- عقده‌های روانی اطفال که بر کمبود محبت ایجاد می شود.

۴- اطفال بزهکار - با توجه به نقش

تعلیمات و شکنجه‌هایی که کودکان ناپذیری و نامادری خود دیده‌اند، عقده‌ها روانی که برایشان ایجاد شده و موارد زندگی مشقت‌بار آنها، کوجه گردی و ولگردی آنان این کودکان ضعیف و قابل ترحم را به مردها به حیوانات درنده خویشی تبدیل خواهد کرد که این خود از عوارض ناشی از طلاق می باشد.

عواقب شوم طلاق برای اولیاء

باتوجه به اینکه در کشور ما بخصوص برای زنان طلاق گرفته امکان ازدواج مجد



بسیار کم است لذا کسانی که محرومیت زیادی کشیده باشند در دام مردان هوسباز به ظاهر صالح می افتند و نیز وضع مردانی که طلاق می دهند نیز بهتر نخواهد بود زیرا از زندگی سرخورده و تن به ازدواج مجدد نمی دهند و معمولاً به عیاشی و معاشرت های ناجورتن درمی دهند.

با توجه به علل واقعی طلاق در یک جامعه، مددکاران می توانند برای آینده ازدواج جوانان آن جامعه برنامه ریزی کنند. زیرا آنان جزء افرادی هستند که شناخت آنها از مسائل اجتماعی زیاد بوده و مخصوصاً در جریان فعالیتهای خود از نزدیک با اثرات مختلف عوارض اجتماعی آشنایی دارند.

براساس تحقیقی که پیرامون مشکلات روانی - اجتماعی ناشی از طلاق بر روی نوجوانان در مدارس هفت منطقه آموزشی تهران صورت گرفت، نتایج ذیل بدست آمد:

۱- اثر طلاق در سنین پایین (۱۲-۸ سال) بیشتر است تا در سنین بالاتر.

۲- رفتار پدران قبل و بعد از جدایی فرق چندانی ندارد اما رفتار مادران بعد از طلاق تغییر می یابد.

۳- طلاق بر روی وضع تحصیلی (ترک تحصیل و مردود شدن) کودکان اثر مستقیم دارد.

۴- تأثیر سوء آن بر روی روابط اجتماعی فرزند (از جهت محیط مدرسه، ارتباط با مسئولین مدرسه، ارتباط با دوستان)

۵- ایجاد ناراحتیهای نورائیک و سایکاتیک

۶- روی آوردن به بزهکاری و انواع اعتیادات

۷- ایجاد مشکلات اقتصادی

۸- سازش نداشتن با نامادری و ناپدیری و اولاد آنها

۹- آرزوی مرگ و ابتلا به ناامیدی و یأس از زندگی

۱۰- تأثیرات مستقیم طلاق بر روی کودک چه به صورت اختلالات جسمی و چه اختلالات روانی

۱۱- اضطراب و نگرانی از آینده

۱۲- مسئله طلاق در اوقات فراغت دانش آموزان و نحوه گذران آن تأثیر مستقیم دارد.

● پیشنهادهایی جهت حل و رفع مشکلات تربیتی و روانی نوجوانان

۱- استفاده از مشاوران و روانشناسان متخصص در زمینه های تعلیم و تربیت کودکان در محیطهای آموزشی و تأمین رشته های مربوطه در دانشگاهها برای تربیت مشاوران

۲- ارتباط مستقیم اولیای دانش آموزان با مسئولین مدارس جهت آشنایی بیشتر با مشکلات دانش آموزان

۳- ایجاد کلاسهای آموزشی یا برنامه های آموزشی مناسب برای اولیاء

۴- ایجاد جلسات بحث و گفتگویی جلسات آموزشی در ارتباط با حل مشکلات کودکان و نوجوانان

۵- پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان با ایجاد کلاسهای آموزشی و تفریحی

۶- راهنمایی و آموزش مربیان امور تربیتی با اصول علمی و صحیح روانشناسی برای برخورد خوب با دانش آموزان

۷- چون اکثر پرسشنامه های این تحقیق توسط دانش آموزان دختر بخصوص در مقطع راهنمایی پر شده است لذا باید توجه زیادی را به احساسات و عواطف آنها که در سنین بلوغ هستند، مبذول داشت تا در دامهای عاطفی محیط اطرافشان گرفتار نشوند.

۸- ایجاد حس اعتماد به نفس و احترام به خود به صورت هر چه بیشتر در دانش آموزان

۹- ایجاد شوراهایی با شرکت مدیر یا مسئول مدرسه، یکی از معاونین، نماینده انجمن اولیاء و مربیان امور تربیتی و با همکاری بهزیستی و یکی از نهادهای مربوط به امور کودکان و نوجوانان مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، جهت بررسی و اتخاذ تصمیم درباره مشکلات تربیتی و روانی دانش آموزان

۱۰- نظر به اینکه کیفیت و کمیت و نوع مواد درسی و حتی مواد فوق برنامه درسی تأثیر مستقیم تربیتی و روانی بر دانش آموزان خواهد داشت، لازم است مقامات مسئول برنامه ریزی درسی، آموزشی و پرورشی در تنظیم و ارائه مواد درسی و غیر درسی پیشنهادها و نقطه نظرات

شوراهای عالی پرورشی و تربیتی را منظور نظر قرار داده و در تصمیمات خود مؤثر بشمارند.

۱۱- نهادهایی که با مسائل و مشکلات مربوط به ناهنجاریها و بزهکاریهای نوجوانان سروکار دارند نظیر سازمانهای قضایی و مؤسسات وابسته (کانون اصلاح و تربیت، موسسات خدمات و مددکاریهای اجتماعی و...) ارتباطی متقابل با آموزش و پرورش داشته باشند تا ضمن مبادله اطلاعات و دستاوردهای متقابل، یافته های خود را در تنظیم سیاست تربیتی و ارشادی بکار گیرند.

۱۲- در همین زمینه ارتباط نزدیک و وسایل ارتباط جمعی نظیر مطبوعات و رادیو و تلویزیون در سطح کارشناسی و برنامه ریزی با کلیه نهادهایی که اشاره رفت جهت انعکاس نتایج بدست آمده و نیز تحقیق و ارزشیابی در مورد برنامه های در دست تهیه و یا اجرا شده ضروری است و می تواند به عنوان بازویی نیرومند در خدمت شوراهای تربیتی قرار گیرد.

۱۳- ایجاد ارتباط نزدیک با روحانیت و نهادهای روحانی نظیر شوراهای ائمه جمعه جهت بهره گیری از نفوذ معنوی و تربیتی آنان در بین مردم، به صورت ارائه دستاوردهای شورا به آنان جهت طرح در محافل و مجامع مردمی و نیز دریافت اطلاعاتی که آنان از تماس مستمر و مستقیم با مردم در زمینه مشکلات عمومی و خصوصی آنها کسب می کنند.

۱۴- برای تأکید بر اهمیت مسائل روانی و تربیتی نوجوانان و برانگیختن تلاش و حرکت عمومی برای مشارکت در حل مشکلات موجود، مناسب است که هفته ای را در سال بنام «هفته کودکان و نوجوانان» اختصاص دهند و با ایجاد جلسات بحث و بررسی در سطوح مختلف، فرهنگی و اجتماعی و اتخاذ تصمیمات و ارائه پیشنهادها لازم به مراجع بالای اجرایی و نیز اولیاء مربیان، در سطح کلی و جزئی به رفع نارسایی ها و نابسامانی های موجود اقدام کنند.

۱۵- استفاده از وجود روانشناسان و مشاورین خانواده در دادگاههای مدنی خاص جهت جلوگیری از طلاق میان زوجین.